

# یکصد و سی سال پیش از این

این نامه به تاریخ چهاردهم شهر ذی‌الحجه الحرام 1294  
الملك در لندن تحریر یافته و به عنوان نامه‌ای رسمی به تهران ارسال

در پشت آخرین صفحه آن ناصرالدین شاه به خط خود نوشته است:  
... تعالی این پاکت را در حضور ملک‌خان باز نمائید و خوانده

متن نامه چنین است:

- جناب رفیق فدایت شوم می‌خواهید بدون طول و تفصیل بنویسم که چه باید کرد جواب بنده از این قرار است:
- از خلق فرنگستان صد کرور پول بگیرید.
- از دول فرنگستان صد نفر معلم و محاسب و مهندس و

## **Administrateurs**

**Economistes** بخواهید. این صد نفر معلم و صاحب منصب را در تحت ده نفر وزیر ایرانی مأمور نمائید که وزارتخانه‌ها و کل شقوق اداره دولت را موافق علوم این عهد نظم دهند.

- از ممالك فرنگستان بیست کمپانی بزرگ به ایران دعوت نمائید و به آنها امتیازات بدهید که صد کروار تومان دیگر به ایران بیاورند و مشغول شوند به احداث معظم که در زبان فارسی اسم هم ندارند.
- به راهنمایی این **Economistes** و به توسط این کمپانی‌ها راه‌های آهنی ایران را از چندین جا شروع کنید.
- در هر يك از ممالك ایران بانک‌های تجارتي و بانک‌های ملكي و بانک‌های زراعت بسازید.

- دیوانخانه‌های تجارتي ما را موافق قواعدي که مقتضي تجارت این عهد و زمانه است نظم بدهید.
- رسوم و شرایط تقسیم و تحصیل مالیات ما که الآن از جمله علوم عمیق دنیا شده است موافق این علوم تغییر و ترتیب تازه بدهید.
- گمرک‌های داخله ما را به کلی موقوف نمائید.

- از براي خالصجات ما به توسط اين **Administrateurs** يك اداره مخصوص ترتيب بدهيد.
- مسئله پول ايران كه يكي از اسباب ناگزير زندگي ملت و الآن معاييب آن علاوه بر خرابي تجارتي مائه افتضاح دولت شده است نظم بدهيد.
- هزار نفر شاگرد به فرنگستان بفرستيد نه اينكه مثل سابق هر كدامي دو سه زن بگيرند. بلكه تا ده سال در مدرسه هاي آنجا محبوس بمانند به طوري كه ثلث آنها در زير كار بميرند و باقي ديگر آدم شوند.

- اصول کار اینها هستند.
- کارهای کردنی اینها هستند.
- تنظیماتی که فرنگستان از سفر همایون متوقع بود اینها هستند.
- شکی نیست که اگر کسی جرأت بکند و این مطالب را در مجلس وزرای ما به زبان بیاورد همه متفقاً حکم بر سفاقت گوینده خواهند کرد و لیکن جناب شما که در حق بنده هنوز فی الجمله حسن ظنی دارید باید در اینجا بعضی توضیحات را به دقت گوش بدهید:
- خیالات و کارهای فرنگستان عموماً به نظر ما اغراق و عجیب و بی معنی می آیند.

- سببش این است که ما در ایران هوش و ذهن و فراست طبیعی خود را با علوم دنیا به کلی مشتبه کرده‌ایم. جمع آن مطالب علمی را که عقلاي سایر ملل به جهت تحصیل آن عمرها صرف می‌کنند ما می‌خواهیم در ایران بدون هیچ زحمت و به هوش و ذهن طبیعی خود در آن واحد درک کنیم.
- این طرز تحقیق ما يك وقتي چندان عیب نداشت به کلی معیوب است.

- کارهای دنیا يك وقتي ساده بود و هر کس معني آنها را به حکم هوش و ذهن طبيعي مي توانست به سهولت درك نمايد. مهندسي عهد هوشنگ، حسابداني حسن صباح و وزارت كريم خان زند چندان عمق و امتيازي نداشت که فراست طبيعي نتواند معني آنها را بفهمد و ليکن در اين عهد تازه به واسطه ترقيات علوم چندان اسباب و معاني عجيب بروز کرده که هوش طبيعي بدون علم هرگز قادر به ادراك آنها نخواهد بود.

- هوش و ذهن بي علم چگونه مي تواند بفهمد که راف و تصوير عكس را چطور ممكن ساخته اند. هوش و ذهن مستوفي هاي كابل چطور مي تواند قبول كند که در فرانسه دو سه نفر وزراي خود را در يك سال دو هزار كرور پول قرض كردند.

- اینها مطالبی هستند که به جهت فهمیدن دقایق آنها يك عقل سليم باید اقلأ سي سال مشغول علوم مختلف باشد.
- ما در ایران از جمیع آن علوم تازه که قانون به کارهای فرنگستان دارد بي خبر هستیم. یعنی در هیچ مدرسه‌اي و در هیچ کتابی آن علوم را درس نخوانده‌ایم ولیکن این بي عملي ما هیچ تفصیر نیست.

• وزراري ساير دول نيز از اغلب اين علوم بي خبر هستند.

**تکليف وزرا به هيچ وجه اين نيست که داراي جميع علوم باشند نکته واجب اين است که هوش و ذهن خود را با علوم دنيا مشتبه نکنند و تصور نمايد که عقل کل است.**

در انگلیس يك دستگاهي هست كه قدرت و امنيت و  
جان و ملت انگلیس بسته به آن است و این دستگاه  
عبارتست از وزارت بحریه. در این اوقات انقلاب و  
احتمال جنگ عمومي خواستند این دستگاه را محکمتر  
. چه کردند؟ يك شخصي را آوردند  
وزیر بحري کردند كه هرگز در خدمات بحریه و  
عسکریه نبوده و از اوضاع دریا و کشتی اصلاً  
. به همین طور اغلب می بینیم بر سر  
دستگاههاي بزرگ چنان آدمها مأمور می شوند كه از  
علوم مخصوصه آن دستگاه به هیچ وجه بویی  
نشنیده اند.

- با وصف وزراري بي ربط ، چطور مي شود كه نظم امور كرد؟ دنيا ساعت به ساعت در ترقي است سببش همان است كه عرض كردم:

- وزراري فرنگستان هوش و ذهن خود را با وسعت علوم دنيا مشتبه نمي کنند. هر علمي را كه در مدرسه تحصيل بدون خجالت مي گویند.

• آنها اگر چیزی را نمی دانند، به راحتی  
میگویند ما این علوم را نخوانده ایم و به حکم  
این اعتراف حکیمانه همیشه تحقیق مسائل  
عمده را رجوع به اصحاب علم مخصوص  
می نمایند.

برخلاف این رسم فرنگستان، ما در ایران تحقیق  
جمع مسائل را منحصرأ رجوع به هوش و ذهن  
شخصی خود می‌کنیم.

در هر کار هوش و سلیقه شخصی خود را حکم  
مطلق قرار می‌دهیم. علم و تحصیل از برای ما هیچ  
مسائل علمی که از آن عمیق‌تر و مشکل‌تر  
حکم آن را در آن واحد جاری می‌کنیم.

درايران هيچ لازم نيست از وزراي ما پيرسند كه اين علوم و كمالات را در چه زمان و در چه كتاب تحصيل . چون هوش و ذهني كه دارند كافي است!  
جميع علوم را نخوانده مي دانند.

زبان ايشان كفر است .  
خيال .  
مي كنند كه اگر احياناً در يك مسئله بگويند نمي دانم شان و منصب شخص آنها به كلي خواهد رفت .

قسم مي خورم که در میان این صد نفر فرنگی که  
در تهران هستند يك نفر نیست که جرأت بکند بگوید  
من اکنون مي پولتيك مي دانم، اما جميع اهل درب خانه  
ما کل این علوم را در سینه خود مضبوط دارند !  
از سفرای انگلیس و فرانسه پرسید بانك را چطور  
ترتیب مي دهند یقیناً بلاتأمل جواب خواهند داد که  
این مطلب علوم مخصوص لازم دارد و ما نخواهیم  
و نمی دانیم.

اما اگر این مسئله را رجوع به مجلس وزرا  
نمائیم نه تنها جمیع وزرا بر کل دقائق آن  
احکام قطعی جاری خواهند کرد بلکه فراش‌های  
خلوت ما نیز جمیع معایب آن را در آن واحد  
خواهند شکافت!

ارسطو که یکی از اعظم عقول دنیا محسوب  
هرگاه حالا زنده بشود با جمیع عقول خود  
نمی‌تواند بدون تحصیل علوم تازه بفهمد استقراض  
دولتی یعنی چه، اما شهاب‌الملک مرحوم و امثال غیر  
همه نکات این علم را

.....

دول فرنگستان به جهت ترقی علوم اکونومی پولتیک کرورها خرج می‌کنند و چندین هزار نفر عمر خود را در تحصیل این علوم تلف می‌نمایند تا اینکه چند نفر اکونومیست پیدا می‌شوند.

در ایران هیچ احتیاج به این نقل‌ها نیست ما همه اکونومیست کامل هستیم! بانک و راه‌آهن و علوم مالیه و علوم اداره همه در نظر ما مثل آب سهل و

▪

مادامي كه در ايران وضع تحقيق ما اين  
مادامي كه وزراي ما همه علوم را  
بديهي است كه در ايران هيچ  
كار تازه ممكن نخواهد بود.

**پس چه بايد كرد؟**

: آن فضول‌هاي احمق كه مي‌گويند ما همه اين كارها  
را فهميده و همه اين علوم را مي‌دانيم بايد آنها را از مجلس  
وزرا بيرون كرد.

**ثانياً :** آن اشخاص باشعور كه مي‌گويند ما از اين علوم  
بي‌خبر هستيم ولي اجراي اين كارها را موافق عقل از  
براي ايران واجب و ناگزير مي‌دانيم بايد دست اين اشخاص  
را بوسيد و ايشان را مأمور كرد كه اين قبيل كارها را

سرتان را به تأسف حرکت می‌دهید و آهی  
می‌کشید که این ناظم‌الملک ساده لوح چرا به  
این شدت از اوضاع ایران بی‌خبر است  
مضمونی که می‌خواهید به من جواب بنویسید  
این است که: **ای رفیق اینجا ایران است اینجا  
(صد باد صبا اینجا بی‌سلسله  
)** مستوفی‌ها صد نوع مضمون  
خواهند گفت، علما پوست ما را خواهند کند.

اما بپذیرید، این تعرضات کهنه حالا دیگر واقعاً بدتر

هرگاه این کارها که ذکر شد به دین اسلام به  
قدر ذره‌ای مخالفت داشته باشند یا به دستگاه علما  
یا از مداخل و اعتبار

مستوفی‌ها چیزی کم بکنند ایراد شما به جا  
لیکن در نیم ساعت می‌توان مثل آفتاب روشن کرد که  
مصلحت ملا و مستوفی و خیر دین و دولت در  
اجرای این کارها و مجبوراً و منحصرأ بسته به این  
کارهاست.

با صد کرور سرمایه و با آن تدابیر معجز نما  
که سایر دول را غرق نعمت کرده  
محصولات ایران سی چهل مقابل بیشتر خواهد  
. یعنی حالا هر قدر غله و ابریشم و تریاک و  
تتباکو به عمل می آید سی چهل مقابل بیشتر  
(مالیات ایران هم سی چهل مقابل زیادتر  
خواهد شد) .

اگر چنین کنیم، آن وقت ملا و مستوفی، رعیت  
در جمیع امور خود،  
چنان وسعتی پیدا خواهند کرد که از تصور  
حالت امروزه خود وحشت نمایند.

مطلب را بیش از این شرح نمی‌دهم. به سلیقه بنده  
کارهایی کردنی عبارت از همان چند فقرات است که ذکر

هر گاه این کارها را به میزان ذهن و فراست شخصی  
خود بسنجیم شکی نیست که همه معیوب و مضروب‌بی‌معنی  
و محال به نظر خواهد آمد. اما هر گاه این کارها را از  
روی علوم معینه تحقیق کنیم تصدیق خواهیم کرد  
که اجرای آنها سهل و طبیعی و موافق دین اسلام و

معني اين كارها خواه مقبول  
اجراي اين كارها خواه مشكل، خواه آسان

جان مطلب اين است كه خارج از اين كارها  
هرچه بكنيد بي معني و جز بازيچه و اسباب تمسخر  
و مایه تضييع عمر دولت نخواهد بود  
مملكت خویش خسروان دانند.